

یک کارشناس حوزه آب گفت: اگر انتقال آب قرار است صورت گیرد، مباحث فنی و محیط زیستی و اقتصادی باید بررسی شود. باید مطالعه شود که آیا طرح های عمرانی شایستگی تامین اعتبار دارد یا خیر، سپس درست و بی طرفانه تصمیم بگیریم.

داریوش مختاری در گفت وگو با ایلنا، در ارزیابی شیرین سازی و انتقال آب از دریا برای تهران اظهار داشت: اینکه تهران نیازمند منابع آب بیشتر است تقریبا پذیرفت شده، هرچند نیازمند پایش کمی و کیفی و پیوسته از منابع و مصارف آب است تا بررسی شود که آیا باید انتقال آب داشته باشیم یا خیر. برای اطلاع از میزان مصرف باید از پروژه های ساختمانی در حال ساخت، مشترکان موجود و مشترکانی که در حال ساخت هستندو همچنین افزایش شبکه اطلاع دقیق داشت، باید آمار جامع و بروز از حجم کارهای ساختمانی و هدررفت از شبکه داشته باشیم.

وی تصریح کرد: در حال حاضر در تهران ۶ سد تامین کننده آب شرب داریم که از این تعداد ۳ منبع در مسیر مشترک هستند ، همچنین ۷۰۰ چاه آب زیرزمینی داریم که شمار قابل توجهی از آنها خشک شده و نیاز به پایش دارند که بدانیم چه میزان افت سالانه دارند و حجم آبدی مشخص شود، در حال ساخت، مشترکان موجود و فضای سبز و پساب تصفیه شده بررسی شود، از ۵۰۰ حلقه چاه فضای سبز حدود ۴۰ چاه قابل استفاده است که می توان با اصلاحات و بهبود کیفیت به شبکه آب شهری اضافه کرد.

این تحلیلگر حوزه آب گفت: باید بدانیم که آیا برای جمعیت حدود ۱۷ میلیون نفری تهران منابع آب یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعبی کافی است و یا کمبود داریم و با فرض اینکه کمبود داریم چگونه باید جبران شود؟ آیا با انتقال آب این امکان وجود دارد؟ باتوجه به بازگذاری هایی که بیش از توان دشت است، حتما کمبود داریم زیرا ما مجازیم ۴۰ درصد از منابع آب تجدید شوند و در مصرف کنیم اما در عین حال اگر تمام ۷۰۰ حلقه چاه را خشک کنیم حتما کمبود نخواهیم داشت.

وی بیان کرد: برای جبران کسری آب دوره داریم یا باید از هدررفت جلوگیری کنیم و در واقع مصرف را کاهش دهیم و یا اینکه وارد فاز انتقال آب بشویم.

مختاری گفت: کاهش هدررفت می تواند به طور غیرمستقیم روی آبدی چاه ها تاثیر داشته باشد زیرا هدررفت در یک فرایند تبدیل منابع آب می تواند وارد چاه شود. بنابراین با نگرش پایداری آب دشت تهران؛ باید گزینه ها را شناسایی کنیم.

وی با بیان اینکه گزینه کاهش هدررفت در رقابت با پروژه های انتقال آب قرار می گیرد، خاطرنشان کرد: پروژه انتقال آب گزینه گران قیمتی است بنابراین باید ببینیم فرصت های دیگری هم وجود دارد یا خیر.

این کارشناس حوزه آب گفت: میانگین مجاز مصرف در تهران ۱۲۰ لیتر در شبانه روز برای هر فرد است که با احتساب کنترل مصارف بی رویه مثل استخرهای خانگی، جلوگیری از ساخت شهرک های پیرامون و... ۲۰ تا ۳۰ درصد امکان صرفه جویی وجود دارد حال سوال اینکه انتقال آب می تواند وارد رقابت با این گزینه شود؟

وی ادامه داد: از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب؛ می توانیم ۲۶۰ میلیون مترمکعب مدیریت مصرف داشته باشیم مثلا استفاده از لوازم کاهنده مصرف یک رهاکار است، هرچند یک بار یارانه ای برای مشترکان در پی دارد و در کل بسته مدیریتی هم هزینه دارد اما ۳۰ درصد کاهش مصرف را در پی دارد اما در مقایسه با پروژه های انتقال آب عوارض منفی ندارد. انتقال آب علاوه بر هزینه های سنگین پیامدهای منفی زیست محیطی هم دارد. اما آنچه از مدیریت مصرف و کاهش هدررفت حاصل خواهیم کرد بار منفی ندارد. به عبارت دیگر شاخص هزینه و منفعت پروژه انتقال آب را به حاشیه می برد و گزینه مدیریت مصرف را هرچند گران قیمت در راس قرار می دهد.

مختاری تاکید کرد: اگر انتقال آب قرار است صورت گیرد مطالعات پیدایش مورد نیاز است، مباحث فنی و محیط زیستی و اقتصادی باید بررسی شود، باید مطالعه شود که آیا طرح های عمرانی شایستگی تامین اعتبار دارد یا خیر، سپس درست و بی طرفانه تصمیم بگیریم، در این صورت می توانیم مسیر برویم که به اعتلای نظام یکپارچه کشور هم کمک می کند وقتی این کار را انجام دهیم؛ منابع و امکانات کشور در جای بهتری هزینه می شود.

وی مطرح کردن اجرای پروژه های انتقال آب برای تهران را در شرایط ماهی گرفتن از آب کل آلود عنوان و تاکید کرد: کلید اصلی دستیابی به راه های دشوار باشد، استقرار مدیریت مشارکتی منابع آب در قلمرو هر کدام از دشت های کشور است. مشارکت مردمی یا به عبارت دقیق تر مشارکت بهره برداران منابع آب، همان ستونی است که دست کم سه هزار سال، منابع آب و جغرافیای فلات ایران را پایدار نگه داشته بود. اکنون برای گذار آرام و مسالمت آمیز از آشفتگی ها و واگرایی های پدید آمده در بهره برداری از منابع آب، لازم است از زیربنا شروع و مدیریت مشارکتی منابع آب را در دشت ها مستقر کرد.

به گزارش ایلنا، چندی پیش عباس علی آبادی در خصوص اظهارات مطرح شده برای انتقال آب از خلیج فارس به تهران توضیح داده که تولید حجم قابل توجهی آب شیرین؛ حاشیه خلیج فارس از برنامه های مهم وزارت نیرو است؛ آب شیرین کن های عظیمی در چابهار، بندرعباس و استان خوزستان در دست ساخت است. تلاش می کنیم بازده اقتصادی این موضوع را به قدری بالا ببریم که برای بخش خصوصی جذابیت سرمایه گذاری داشته باشد.

وزیر نیرو در ادامه یادآوری کرده است که اگر آب مناطق جنوبی را به این طریق تامین کنیم، امکان استقرار جمعیت در مناطق جنوبی کشور هم فراهم می شود و بار جمعیتی به آنجا منتقل خواهد شد؛ همچنین از آب مناطق بالادست که اکنون به این مناطق منتقل می شود نیز برای تامین آب تهران و مناطق شمالی کشور بهره گرفته خواهد شد که البته همه این موضوعات نیاز به کار کارشناسی دقیق دارد.

استاندار تهران نیز گفته بود، در مقطع بلند مدت، انتقال آب از دریای عمان برای استان های کم آب و استان تهران در نظر گرفته شده که مطالعات آن آغاز شده است.

آرمان ملی – صدیقه بهزادپور: بر اساس مشاهدات میدانی و مستندات منتشره، درحالی که ارز ترجیحی برای واردات بسیاری از کالاهای اساسی و نهاده های دامی و... تخصیص یافته است، اما همچنان شاهد افزایش قیمت آنها در کشور هستیم که خود حکایت از خلل و چالش های موجود در روبه به کارگرفته شده در این خصوص دارد. این رویکرد تا جایی ادامه یافته است که دولت درصدد برآمده تا واردات این کالاها، بدون تخصیص ارز ترجیحی و به شکل تهاثری را در دستور کار قرار دهد. برخی از کارشناسان معتقدند این اقدام می تواند گامی در مسیر حذف رانت در دایره تخصیص ارز ترجیحی تلقی شود. هرچند تقریبا همگان بر این باور هستند که دولت باید با بسته های حمایتی از اقشار آسیب پذیر جامعه حمایت کند.

تبدیل سیاست حمایتی به رانت

به گزارش «آرمان ملی»، مسعود سعیدی کارشناس اقتصادی در این باره گفت: پرداخت ارز ترجیحی به برخی از واردکنندگان در برخی از کشورها به عنوان یک سیاست مدیریت بازار و حمایتی از مردم تلقی می شود. اما آنچه که در سالیان اخیر شاهد بوده ایم، این بوده است که در شرایطی که طی سالیان اخیر ارز ترجیحی به منظور کنترل قیمت، به واردات گسترده کالاهای اساسی و نهاده های دامی تخصیص یافته، جامعه شاهد ثبات در سبد مصرفی خانوار نبوده و روند افزایشی بهای این کالاها به پدیده ای همیشگی تبدیل شده است و درنهایت این تناقض آشکار بین تزریق منابع ارزی دولتی و تشدید التهاب در بازار، سئوالات بدون پاسخ بسیاری را مطرح ساخت که پس از رهای ترجیحی در کجا هزینه می شود و گرانی اقلام اساسی برای واردات کالاهای ضروری کجا می رود؟ این کارشناس افزود: کارنامه عملکرد نظام تخصیص ارز ترجیحی، همواره حکایت از یک ناکامی بزرگ دارد که در آن شاهد و مستندات نشان می دهد که با وجود ثابت ماندن حجم

و نرخ ارز اختصاص یافته به اقلامی چون خوراک دام، شکر، روغن و گوشت، قیمت نهایی این کالاها و سایر اقلام سبد اساسی خانوار، جهشی چندبرابری را تجربه کرده است. این تناقض زمانی معنای تلخ خود را آشکار می کند که بدانیم در همین بازه زمانی، نرخ رسمی این ارز از یک عدد ثابت به رقم به مراتب بالاتری تعدیل شد و بازار فرصت تعدیل خود با این نرخ جدید را نیز پیدا کرد. اما همچنان قیمت ها به صعود می آمان خود ادامه دادند. او تاکید کرد: این امر بر یک واقعیت دلالت م یکنند و آن اینکه، تزریق ارز ترجیحی برای واردات و تولید، نه تنها سدی در برابر سونامی قیمت ها نباشد، بلکه به عاملی برای ایجاد شکاف عمیق بین هزینه تمام شده رسمی و قیمت فروش در بازار تبدیل شد و در حالی که همگان این توقع را داشتند که این شکاف که می بایست به نفع مصرف کننده نهایی حذف می شد، در چرخه ای ناپایدها میان بازیگران مختلف زنجیره تأمین، از واردکننده گرفته تا دلالان و شبکه توزیع، محو و به رانتی کلان تبدیل شد. به گفته این کارشناس؛ با بررسی های صورت گرفته در این باره به حجم عظیمی از زارت برمی خویم که از هدررفت منابع ملی در قالب سیاست های ارزی و به ظاهر حمایتی از مردم حکایت می کند. به عبارتی و به بیان ساده تر، ارز ترجیحی به جای آنکه بر سفره مردم بشیند، در جیب سوداگران و ذی نفعان این چرخه بسته توزیع شد.

شکستن انحصار

سعیدی اقدام دولت در حذف ارائه ارز ترجیحی برای واردات کالا را مثبت ارزیابی و بیان کرد: در چنین فضایی، مصوبه اخیر هیات دولت برای مجاز شمردن واردات کالاهای اساسی از طریق استان های مرزی و بدون الزام به انتقال ارز، می تواند نقطه عطفی در این سیاست گذاری باشد. بر این اساس، این اقدام در عمل پنجره ای جدید به روی منابع ارزی خارج از شبکه رسمی می گشاید و وابستگی واردات را به ارز ترجیحی یا منابع بانک مرکزی کاهش می دهد. او معتقد است: اجرای صحیح این طرح، دست کم در کوتاه مدت، دو اثر ملموس خواهد داشت اول اینکه با افزایش عرضه از کانال های متنوع تر، انحصار تاریخی واردکنندگان خاص و سلطانهای واردات گوشت، مرغ و... را می شکنند و رقابت را در بازار افزایش می دهد. این امر به ویژه می تواند شرایط را برای مصرف کنندگان در مناطق مرزی بهبود بخشد. علاوه بر این، از فشار سنگین تقاضا بر صندوق ارزی دولت می کاهد و منابع ملی را برای کاربردهای ضروری تر و مولدتر حفظ می کند، درهر حال به

«آرمان ملی» مزایا و معایب واردات بدون انتقال ارز کالاهای اساسی را بررسی می کند

چاقوی دولبه سیاست های ارزی و معیشت مردم



مستندات نشان می دهد که با وجود ثابت ماندن حجم و نرخ ارز اختصاص یافته

به اقلامی چون خوراک دام، شکر، روغن و گوشت، قیمت نهایی این کالاها و

سایر اقلام سبد اساسی خانوار، جهشی چندبرابری را تجربه کرده است

نظری می رسد که این سیاست در صورت تداوم، گامی اساسی در مسیر حذف تدریجی ارز ترجیحی و به تبع آن، انحلال بدنه فربه رانت خواری مرتبط با آن محسوب می شود.

ساختراشکنی

او ادامه داد: مقاومت در برابر این طرح جدید، در حقیقت دفاع از ساختار کهنه و رانت زایی است که کارنامه ای جز شکست در کنترل قیمت هاندارد. این موضع گیری می تواند نشان دهنده نگرانی ذی نفعانی باشد که منافع خود را در تداوم سیستم قبلی در خطر می بینند. این کارشناس موفقیت این طرح را مشروط به تعریف بسته های حمایتی دولت از خانواده های ضعیف جامعه ذکر و بیان کرد: ضرورت همراهی سیاست های اصلاحی با بسته های حمایتی هدفمند می تواند ضامن اجرای موفق این طرح باشد. از این رو، کالابزرگ الکترونیکی نیز در این راستا قابل تحلیل است بر اساس این دیدگاه، دولت و مجلس بر لزوم حمایت مستقیم از دهک های کم درآمد و اقشار آسیب پذیر در شرایط کنونی اقتصاد توافق دارند. ایده کالابزرگ الکترونیکی، در صورت اجرای شفاف و دقیق، می تواند مکمل سیاست حذف ارز ترجیحی باشد. این رویکرد این قابلیت را دارد که با ارائه راستمقیم به دست مصرف کننده نهایی برساند و اطمینان حاصل کند که کمک های دولتی در مسیر پربریج و رخم واردات و توزیع کم نمی شود، بلکه بی واسطه به جیب خانوارهای نیازمند می رود. ادعا شده که با این روش حتی امکان عرضه کالا با قیمتی به مراتب پایین تر از قیمت های فعلی بازار نیز فراهم می شود.

گذار با احتیاط

سعیدی با اشاره به تغییرات احتمالی در نتیجه سه رخ شی شدن بنزین، حذف احتمالی ارز ترجیحی و... گفت: به نظر می رسد اقتصاد ایران در آستانه یک تغییر پارادایم در سیاست گذاری ارزی برای کالاهای اساسی قرار دارد. تجربه سال های متمادی به وضوح ثابت کرده که ادامه مسیر قبلی نه تنها راه به جایی نمی برد، بلکه با خلق رانت های کلان، باعث تشدید بی عدالتی و اتلاف منابع کشور شده است. به این ترتیب حرکت به سمت حذف تدریجی ارز ترجیحی و آزادسازی تدریجی واردات از طریق مجاری جایگزین مانند مبادلات مرزی، اگرچه در در اما اقدامی ضروری و اجتناب ناپذیر است. اما با این وجود، موفقیت این انتقال مشروط به رعایت برخی از مواردی است که مهمترین آن، عزم جدی دولت برای اجرای بدون اغماض این طرح و مقابله با کارشکنی ذینفعان قدرتمند است که معمولاً در اجرای این طرح ها سنگ اندازی می کنند، علاوه بر این، طراحی و استقرار یک سیستم حمایت اجتماعی هوشمند، دقیق و فراگیر است که از همه مهمتر است. او توضیح داد: جای خالی یک شبکه تامین

نادر بذرافشان:

حباب سکه روند کاهشی را تجربه کرد

دلاری نسبت به ابتدای هفته جاری به ۴۱۷۰ دلار رسیده که در ادامه روند افزایشی تدریجی هفته های اخیر در بازار جهانی طلا است. وی افزود: در بازار داخلی طلا نیز، شاهد افزایش قیمت نسبت به ابتدای این هفته هستیم و از ابتدای هفته تا امروز هر مثقال طلا ۱۷ عیار با یک میلیون و ۴۳۵ هزار تومان افزایش، به ۴۹ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان، هر گرم طلا ۱۸ عیار نیز ۳۳۱۱ هزار تومان افزایش، ۱۱ میلیون ۴۴۱ هزار تومان، هر قطعه تمام سکه طرح جدید با دو میلیون و ۹۰۰ هزار تومان افزایش، به قیمت ۱۱۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، هر

پشت پرده بحران نهاده های دامی

در صدور مجوزها افزود: این اتفاق نیفتاد، زیرا فضایی در بودجه شکل گرفته که مثلاً عدد ۸۰ تا ۱ میلیارد تومان تعیین شده و گفته می شود نباید بیش از بودجه سفارش داد. در حالی که در تجارت جهانی ممکن است معامله نهایی نشود و نیاز به انعطاف وجود دارد. کلامی اظهار کرد: دولت و بانک مرکزی اخیراً به این نتیجه رسیده اند که سقف مجوزهای واردات باید افزایش یابد و توضیح داد: شنیده ام این عدد را به ۱۲۰ درصد رسانده اند؛ یعنی مجوز واردات باید معادل ۱۳۰ درصد نیاز باشد.

سال گذشته چون مجوزهای ۱۲۰ درصدی را کامل داده بودند، گفتند برای سال ۱۴۰۳ سقف بر شده، در حالی که این مربوط به سال ۱۴۰۴ بوده و تأخیر ایجاد کرده است. او این مسأله

اجتماعی کارآمد که بتواند به صورت مستقیم و مؤثر از قشرهای کم درآمد محافظت کند، همواره به عنوان نقطه ضعف اصلی در هر طرح اصلاحی اقتصادی احساس شده است و قطعاً بدون وجود چنین سامانه ای، هر گونه تغییر در سیاست های یارانه ای، چه برای حامل های انرژی و چه برای کالاهای اساسی، می تواند به بهای تحمیل فشار بیشتر به اقشار آسیب پذیر تمام شود. این کارشناس اضافه کرد: مصوبه جدید دولت می تواند سرآغاز فصل تازه ای باشد؛ فصلی که در آن به جای حمایت از قیمت کالا از طریق مکانیسم های شکست خودره، از مصرف کننده به صورت مستقیم حمایت می شود و بازار کالاهای اساسی از انحصار و رانت رها می شود، اما قطعاً عبور ایمن از این گذار حساس، نیازمند دوردانشی، مدیریت قوی و اولویت دادن به حمایت از محرومان در کنار اصلاح ساختارهای اقتصادی است.

اتفاق دولت و مجلس

عباس پایی زاده، نماینده مجلس نیز با اشاره به طرح جدید پرداخت کالابزرگ الکترونیکی گفت: اجماع نظری بین مجلس و دولت برای حمایت یارانه ای از دهک های پایین درآمدی و اقشار آسیب پذیر به خصوص در شرایط فعلی اقتصادی و افزایش افسارگسیخته قیمت ها وجود دارد. وی ادامه داد: قانون بودجه سال ۱۴۰۴ صراحتاً روش کالابزرگ الکترونیکی را تعیین کرده است. بر همین اساس مجلس صراحتاً موضع خود را اعلام کرد و دولت نیز موظف به اجرای قانون است البته در ماه های گذشته نوعی مقاومت از سوی دولت برای اجرانشدن کامل قانون بودجه وجود داشت که منجر به نوعی عدم اتفاق نظر روی روش اجرا شد. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: روش مورد تأکید مجلس پرداخت کالابزرگ الکترونیکی با مبنای مقداری است که باعث می شود قدرت خرید یارانه محور در هر زمان کاهش نیابد؛ این بدان معناست که باید دولت مقدار مشخصی از کالاهای تعیین شده را برای مردم تأمین کند. وی ادامه داد: دولت برای واردات کالاهای اساسی از ارز ترجیحی ۲۸.۵۰۰ تومانی استفاده می کند، اقدام با قیمت آزاد به دست مردم می رسد؛ لذا کالابزرگ الکترونیکی می تواند واردات کالای اساسی را مستقیماً به مصرف کننده متصل کند و حتی مردم می توانند کالا را با یک سوم قیمت فعلی دریافت کنند. پایی زاده با یادآوری اینکه قرار بود کالابزرگ الکترونیکی به شیوه جدید تا پایان آبان ماه پرداخت شود، گفت: اکنون اختلاف نظر و مشکل بین دولت و مجلس وجود ندارد و قرار شده کالابزرگ در آذرماه اجرایی شود؛ یکی از علل تأخیر در این موضوع، روش «سبد کالا» بود که با نظر مجلس هم خوانی نداشت. اخبار به توافق رسیدیم که به روش کالابزرگ الکترونیکی برگردیم.

دریچه

چالش های طرح های خورشیدی

ورود مستقیم دولت به طرح ۷۰۰۰ مگاواتی خورشیدی و محدود شدن نقش بخش خصوصی، اجرای برنامه های تجدیدپذیر را با ابهام و کندی مواجه کرده است. طرح های خورشیدی در حالی به عنوان یکی از اولویت های کلان دولت مطرح هستند که حذف نقش مؤثر بخش خصوصی، ابعاد اجرایی این برنامه ها را با چالش جدی مواجه کرده است. فعالان صنعت معتقدند این روند می تواند باعث توقف توسعه و کاهش اعتماد به سرمایه گذاری خصوصی شود. توسعه نیروگاه های خورشیدی ی یکی از برنامه های راهبردی دولت در مسیر گسترش انرژی های تجدیدپذیر است. با وجود تلاش های صورت گرفته، برخی فعالان این حوزه معتقدند که روند اجرای طرح ۷۰۰۰ مگاواتی با مشکلاتی همراه است که می تواند بر مشارکت مؤثر بخش خصوصی تأثیر بگذارد. سید مجتبی سیادت، فعال و گویا خبرگزاری... از فعالان و پیمانکاران حوزه انرژی خورشیدی، به موضوعاتی همچون نحوه اجرای طرح ها، تأمین تجهیزات، فرایند های مالی و ظرفیت های فنی و انسانی پرداخت. همچنین وی اظهار داشت: «هماهنگی بیشتر میان دستگاه های مسئول و پیگیری منظم تعهدات، می تواند مسیر توسعه نیروگاه های خورشیدی را سرعت بخشد و از تکرار مشکلات تأمین برق در سال های آینده جلوگیری کند.»

نقش بخش خصوصی

ایراهم سیادت، فعال و واردکننده تجهیزات و پیمانکار نیروگاه های خورشیدی، با اشاره به روند کند اجرای طرح ۷۰۰۰ مگاواتی انرژی خورشیدی گفت: «مشکل اصلی اینجاست که دولت خودش وارد تأمین تجهیزات و اجرای طرح ها شده و ممانعی دانیم بر چه اساس و سازوکاری پیمانکاران انتخاب شده اند. به عنوان مثال فرایند انتخاب مجریان و نحوه ایجاد مجوزها از اطلاع شفافیت نداریم. دولت در این طرح از بخش خصوصی راهنمایی نخواسته است. در واقع، آقای علی آبادی در ابتدای وزارت خود به آقای پزشکبان گفته بودند که بخش خصوصی توان اجرای نیروگاه های خورشیدی را ندارد و گران تمام می شود، پس دولت خودش این کار را انجام دهد.»

ابهام در خرید تجهیزات

سید مجتبی سیادت با اشاره به ابهام در کیفیت تجهیزات وارداتی نیروگاه های خورشیدی گفت: «شرکت های بزرگ چینی حاضر به مذاکره با هیئت ایرانی نشدند و مشخص نیست تجهیزات از چه مسیر و با چه کیفیتی تهیه شده اند؛ اگر تست های استاندارد در محل تولید انجام نشود، احتمال نقص یا خطای تولید وجود دارد.»

سیادت درباره روند تخصیص تجهیزات از طریق صندوق توسعه ملی نیز گفت: «بندوق توسعه ملی به جای اختصاص وام، تجهیزات را در اختیار دارندگان مجوز قرار می دهد، اما این موضوع خودش اشکال جدی دارد. چون طرح های توجهی نیروگاه ها بر اساس تجهیزات خاص و مشخص نوشته می شود. وقتی تجهیز تغییر کند، باید کل طرح از ابتدا بازبینی شود.»

مشکلات مالی

همچنین با اشاره به مشکلات ساختاری و مالی طرح های خورشیدی گفت: «از دولت قبل تاکنون، فرایند تأمین مالی با چالش های جدی روبه رو بوده است. صندوق توسعه ملی در ابتدا دستورالعمل مشخصی نداشت و تنها یک بانک عامل همکاری می کرد. برای نمونه، شرکت مانا انرژی با ۱۵۰۰ مگاوات مناقصه نیازمند یک میلیارد دلار تسهیلات بود، اما بانک عامل اعلام کرد چنین ارزی ندارد و فقط بانک مرکزی می تواند پرداخت کند. این موضوع بیش از یک سال طول کشید تا با مصوبه هیئت وزیران قانونی شود. اما هنوز مشخص نیست که در عمل اجرایی شده باشد.»

بلوکه شدن زمین ها

وی با انتقاد از نحوه ورود دولت به اجرای طرح های خورشیدی گفت: «دولت ظاهراً قصد دارد تمام ۷۰۰۰ مگاوات را خودش احداث کند و به همین دلیل بسیاری از زمین ها و خطوط انتقال را به بلوکه کرده است؛ این اقدام برخلاف قانون توسعه انرژی های تجدیدپذیر است و مانع فعالیت سرمایه گذاران بخش خصوصی می شود. این بخش صنعت خورشیدی را تا حدی بر توانمندی فعلی صنعت خصوصی گفت: «بخش خصوصی می تواند سریع تر و با کیفیت بهتر از دولت طرح ها را پیش ببرد، اما در حال حاضر برای واردات تجهیزات با موانع ارزی، ثبت سفارش و محدودیت های قانونی مواجه است. در حالی که بخش دولتی به راحتی واردات انجام می دهد. در حالی که همین تجهیزات در داخل کشور تولید می شود.»

کمبود نیروی متخصص

سیادت با اشاره به کمبود نیروی متخصص در این حوزه گفت: «ما در کشور نیروی متخصص کافی برای طرح های خورشیدی نداریم. متخصص برق یا مکانیک الزاماً متخصص انرژی تجدیدپذیر نیست. افرادی که واقعاً دانش و تجربه نیروگاه خورشیدی دارند، شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نرسند.»

هزینه های تحمیلی

مجتبی سیادت درباره تحقق وعده ۳۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر تا پایان دولت چهاردهم گفت: «با روند فعلی، رسیدن به این هدف بسیار دشوار است. زیرساخت های انتقال آماده نیستند و هزینه احداث خطوط، پست ها و ذخیره سازی انرژی بر همه د سرمایه گذاران گذاشته شده است. در حالی که طبق قانون، این وظیفه وزارت نیرو است.»